

قدرت هویت ملی در میان ایرانیان^۱

علی قنبری برزیان*

E-mail: qanbari20@yahoo.com

فروزنده جعفرزاده پور**

E-mail: fjafarzadepour77@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۷/۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۲/۱۴

چکیده

هویت پاسخ به کیستی و چیستی انسان‌هاست و مسئله و معمای عصر جدید بشر است. در حقیقت هویت و در عالی‌ترین سطح جمعی آن که «هویت ملی» نامیده می‌شود، دلالت بر شباهت‌ها و تمایزات دارد، شباهت با «مای» جمعی و تفاوت با «دیگران» و غیرها. شاید بتوان اظهار داشت که دغدغه هویت، تاریخی به بلندای تاریخ حیات بشر دارد. در دنیای محتول امروزی نیز مسئله هویت مورد توجه بسیاری از اندیشمندان قرار گرفته که با رویکردهای مختلفی ابعاد آن را مورد سنجش قرار داده‌اند. مطالعه حاضر به بررسی برخی از ابعاد هویت ملی (شامل بعد سرزمینی، فرهنگی و بعد زبانی) و تبیین وضعیت موجود هویت ملی ایرانیان را بررسی می‌کند. روش مورد استفاده در این پژوهش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه بوده است. جامعه آماری پژوهش با توجه به ویژگی‌های شهر تهران که می‌توان آن را نمونه جامعه‌ای از کل کشور به‌شمار آورد، این شهر بوده و تعداد ۱۷۰۰ نفر جامعه آماری پژوهش را تشکیل داده‌اند. یافته‌ها حکایت از آن دارد که احساس تعلق به جامعه ملی در پاسخگویان در حد بسیار بالایی مشاهده شده است. همچنین در مقایسه بین میزان تعلق و تعهد و آگاهی بین سه بعد مورد بررسی، تعلق به بعد زبانی هویت ملی کمترین میزان را در مطالعه داشته است.

کلیدواژه‌ها: هویت ملی، احساس تعلق، احساس تعهد، ابعاد هویت، ایران.

۱. مقاله حاضر برگرفته از طرح «بررسی و سنجش هویت ایرانیان» از طرح‌های مصوب شبکه برنامه گروه جامعه‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی بوده که با تأیید و حمایت جهاد دانشگاهی انجام شده است.

* دکتری جامعه‌شناسی، مدیر گروه روانشناسی اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، نویسنده مسئول

** استادیار، مدیر گروه جوانان و مناسبات نسلی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

مقدمه و بیان مسئله

هویت دغدغه دیرین بشر است و تاریخی به درازی تاریخ بشر داشته و در حقیقت پاسخ به پرسش بنیادین بشر به کیستی و چیستی خویش است که از دو منظر اساسی وجود شباهت با درون گروه و تفاوت با برون گروه به فرد نگریسته و بر این ویژگی‌ها اصرار می‌ورزد. محققین در حوزه‌های مختلف علوم به بررسی این مهم پرداخته‌اند. بررسی‌ها نشان داده که انسان‌ها فقط تابع یک هویت واحد نیستند، بلکه به هویت‌های متعددی وابسته‌اند. شخص می‌تواند هم‌زمان هویت ملی، هویت مذهبی، هویت طبقاتی و سیاسی خاصی داشته باشد، و هیچ تعارضی میان این هویت‌ها به چشم نخورد. چنین هویت‌هایی از یک‌سو جنبه اجتماعی دارند، یعنی براساس ایجاد پیوند میان خود و شکل‌های اجتماعی پدید می‌آیند و از این لحاظ امری اجتماعی محسوب می‌شوند و از سوی دیگر، نسبی هستند و در طول زمان دستخوش تغییر می‌شوند (معنی علمداری، ۱۳۸۳: ۳۱). برای فهم هویت جمعی موجود در یک کشور لازم است بر چند بعد مهم، اساسی و محوری که نقش اصلی در شکل‌دهی به هویت دارند، تاکید شود. هر یک از این ابعاد ممکن است نفوذ کم و بیش متفاوت داشته باشند و بالطبع انعکاس ظهور آنها در هویت و تحولات آن متفاوت باشد (جعفریان، ۱۳۸۴: ۵). شکرکن و دیگران با اشاره به توجه علوم مختلف به هویت آورده‌اند: «هویت و نحوه شکل‌گیری آن از موضوعاتی است که مورد علاقه بسیاری از حوزه‌های علمی هم‌چون روانشناسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و حتی ادبیات و هنر می‌باشد... این موضوع از یک طرف نشان دهنده اهمیت موضوع و از طرف دیگر نشانه‌ای از وسیع بودن حوزه مورد بررسی می‌باشد» (شکرکن و دیگران، ۱۳۸۰: ۷۴).

به مسئله هویت می‌توان از منظر و رویکردهای مختلف نگریست. یکی از آنها منظر تاریخی است. اگر هویت از منظر تاریخی به عنوان پدیده‌ای سیاسی و اجتماعی در نظر گرفته شود می‌توان گفت که بحث در حوزه هویت ملی از هنگام پدید آمدن «ملت» به معنای امروزی آن شکل گرفته است. عواملی چند در شکل‌گیری هویت در واحدهای فراقومی و تأمین ملت مؤثر واقع شده‌اند که از آن جمله‌اند: تشکیل نهاد سیاسی امپراتوری که با تجمیع اقوام و طوایف گوناگون، یک واحد سیاسی، نظامی و اقتصادی را با هویت سیاسی مشترک تشکیل می‌دادند و نیز زبان و ادبیات مشترک میان اقوام و طوایف که مبنای شکل‌گیری یک فرهنگ مشترک قرار می‌گرفت. در دوران جدید، نخستین گام مهم در راه تشکیل ملت در اروپا تحول از «همبستگی خونی» به

«همبستگی فرا طایفه‌ای» در اجتماعات شهری قرون وسطایی بود. در واقع با پیدایش مفهوم شهروند و حق و تکلیف شهروندی بود که مفهوم جامعه مدنی و ملت (هویت ملی) در مقابل دولت به عنوان یک ساخت مستقل تحقق یافت.

هویت جمعی یا اجتماعی نشئت گرفته از جایگاه و تعلق فرد به جامعه است و انسان‌ها در هویت جمعی خود نیز تعهداتی از قبیل هویت جنسی، سنی، نژادی، قومی، مذهبی، طبقاتی، منطقه‌ای، ملی و فراملی دارند. بنابراین هیچ‌یک از این هویت‌ها در تقابل با دیگری نیست بلکه ممکن است هر چند از نظر اهمیت و جایگاه هر یک دارای وزن خاص خود باشند لیکن همه آنها ماهیتی پویا دارند و همواره در حال تغییرند؛ پس هویت امری ثابت نیست بلکه فرایندی سیال و نوشونده است که در طول زمان توسط خانواده، ایل و قبیله به افراد داده می‌شود. در این ارتباط فرد خود را دارای شباهت‌هایی با جمع‌هایی دانسته و تمایزاتی را با دیگر جمع‌ها احساس و مطرح می‌کند. هویت ملی یا هویت جامعه‌ای، بالاترین سطح هویت جمعی در هر کشوری است (عبداللهی، ۱۳۷۵؛ طالبی، ۱۳۷۸: ۱۲) و هویت‌یابی در این سطح (یعنی با یک ملت)، موجد هویتی جمعی و در نتیجه نوعی احساس «خود جمعی» (طالبی، ۱۳۷۸: ۱۳) است که هویت ملی خوانده می‌شود (وودوارد، به نقل از دوران، ۱۳۸۷). هویت ملی تقریباً آخرین هویت اکتسابی است که توسط فرد طی فرایند جامعه‌پذیری از طریق خانواده، مدرسه و رسانه کسب می‌شود (شیخاوندی، ۱۳۷۹: ۱۳).

از آنجا که هویت ملی را می‌توان مهم‌ترین مبنای همبستگی ملی و در نتیجه کنش جمعی ملت دانست، چالش‌های پیش روی آن، به‌ویژه در کشورهای متنوع مانند ایران، می‌تواند بحران‌های جدی به‌بار آورد. به همین جهت لازم است وضعیت هویت‌های قومی و ملی را بشناسیم، عناصر یا مؤلفه‌های آنها را مشخص کنیم و میزان اهمیت هر کدام از آنها را بسنجیم تا یک مبنای علمی و تجربی برای تعریف و بازتعریف هویت ملی (به‌صورت، عام‌ترین هویت جمعی عام در کشور) داشته باشیم و به کمک آن بتوانیم از یک راهبرد روشن و کارا برای برطرف کردن چالش‌های پیش روی انجام و همبستگی ملی برخوردار شویم.

یکی از مباحث مهم مرتبط با موضوع وحدت ملی، «هویت ملی» است. هویت ملی یکی از اساسی‌ترین عناصر و پیش‌شرط‌های ضروری دستیابی به وحدت و همبستگی

ملی است (قاسمی و ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۰۷). از آنجا که ایران نیز از جمله کشورهایی است که در طول تاریخ خود همواره با موضوع حفظ و تقویت وحدت و همبستگی ملی مواجه بوده است، توجه و رصد دائمی وضعیت هویت ملی ضروری می‌نماید. موضوع هویت و بررسی ابعاد، مؤلفه‌ها، انواع و سطوح آن در کشور ما نزدیک به دو دهه است که مورد توجه گسترده محققین رشته‌های مختلف علم قرار گرفته است و هر یک با رویکردی به شناخت وضعیت هویت پرداخته‌اند. برخی مؤلفه‌های پایه‌گذار هویت ملی را در ایران بررسی کرده‌اند (پرتویی، ۱۳۷۹) و بعضی به مطالعه تأثیر عوامل بیرونی بر بازسازی هویت ملی پرداخته‌اند (نقی‌زاده ملایوسفی، ۱۳۸۵: ۲). هم‌چنین هستند محققینی که به رابطه برخی از انواع هویت‌ها با هویت ملی همت گمارده‌اند (نواح، تقوی‌نسب، ۱۳۸۶: ۱۵۰). از آنجا که هویت ملی را می‌توان مهم‌ترین مبنای همبستگی و انسجام ملی و در نتیجه کنش جمعی یک ملت دانست، توجه به وضعیت موجود هویت ملی در یک جامعه و رصد مستمر آن امری بسیار لازم و ضروری است. به همین دلیل است که مطالعه حاضر تلاش دارد با بررسی برخی از ابعاد هویت ملی در کشور، وضعیت هویت ملی در ایران را تبیین کرده و به این پرسش‌ها پاسخ دهد که این موضوع در فضای فرهنگی ایران دارای چه ابعاد و مؤلفه‌هایی بوده و چه چالش‌هایی در پی داشته است هر کدام از ابعاد هویت ملی، دارای چه وزنی می‌باشند؟ عوامل مختلف جغرافیایی و قومی و دینی و سایر متغیرها چه تأثیری بر آن دارند؟ و بالاخره اینکه احساس تعلق و احساس تعهد و آگاهی آنها نسبت به هویت ملی چگونه است؟ به دلیل آنکه در این مقاله بررسی تمامی ابعاد هویت ملی میسر نیست، پژوهش انجام شده، به بررسی برخی از ابعاد تأثیرگذارتر هویت ملی (شامل بعد سرزمینی، فرهنگی و بعد زبانی) محدود شده و بر این مبنا اهتمام لازم برای تبیین وضعیت موجود هویت ملی ایرانیان انجام شده است. در مطالعه حاضر سه بعد از ابعاد هویت ملی شامل سرزمین، فرهنگ و زبان بر اساس سه شاخص اصلی احساس تعلق، احساس تعهد و آگاهی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. از آنجا که بسیاری از محققان، شهر تهران را آینه‌ای از کل کشور دانسته‌اند، این مطالعه نیز در شهر تهران با روش پیمایشی انجام شده است.

هویت ملی هر ملت در درجه نخست زائیده محیط جغرافیایی آن ملت است. محیط جغرافیایی تبلور فیزیکی، عینی، ملموس و مشهود هویت ملی به حساب می‌آید. برای شکل‌گیری هویت واحد ملی، تعیین محدوده و قلمرو یک سرزمین مشخص ضرورت تام دارد (حاجیانی، ۱۳۷۹: ۸۵). ایران سرزمینی است که مأمّن و محل زندگی اقوام

مختلف بوده، این اقوام در طول تاریخ با مجاهدت‌ها و تحمل رنج‌ها از نام و یاد عظمت ایران پاسداری کرده‌اند. از آنجا که کشور ما در مقاطع تاریخی مورد یورش و تاخت و تاز قرار گرفته، سرزمین و دفاع از آن به مثابه مظهر هویت و عزت ایرانی، عامل مهمی در تحکیم و تثبیت وحدت ملی بوده است. بارزترین صورت و نمونه اخیر آن، در دفاع هشت ساله ایرانیان از سرزمین خود در برابر متجاوزان بعثی و حامیان آنها متجلی است. تاکنون به‌رغم آنکه ایران بارها در معرض هجوم دشمنان خود بوده و گاه شکست‌هایی را هم متحمل شده و قسمت‌هایی از کشور به دست بیگانگان افتاده، ولی ایرانیان هیچ‌گاه هویت خود را فراموش نکردند و در سخت‌ترین روزگاران که گمان می‌رفت همه چیز نابود شده، حلقه‌های مرئی و نامرئی هویت ملی چنان آنان را با یکدیگر پیوند می‌داد که می‌توانستند ققنوس وار از میان تلی از خاکستر دگربار سر برآورند. شاید کشوری را در جهان نیابیم که جوامع انسانی تحت قلمرو آن به‌رغم کثرت نژادی، زبانی، فرهنگی و مذهبی، مانند ایران دارای چنین هویت مشترکی باشند؛ زیرا تاریخ مشترک، آینده مشترک و سرزمین مشترک، آنها را سخت به هم پیوند می‌زند و از همه آنها یک «ملت» می‌سازد و زمانی که «ملت» شکل می‌گیرد، دیگر ارزش و اعتبار انسان در درون آن ملت، با مشخصه‌های نژادی، مذهبی و زبانی او محک زده نمی‌شود.

هویت ملی به معنای احساس تعلق و وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع ملی (جامعه کل) و در میان مرزهای تعریف شده سیاسی است. مهم‌ترین عناصر و نمادهای ملی که سبب شناسایی و تمایز می‌شوند عبارتند از: «سرزمین، دین و آیین، آداب و مناسک، تاریخ، زبان و ادبیات، مردم و دولت» (یوسفی، ۱۳۸۰: ۱۷). اصولاً میهن‌دوستی و عشق‌ورزی به آب و خاک در اعتقادات و باورهای مذهبی نیز ریشه دوانده است و حضرت رسول اکرم (ص) آنرا از ایمان دانسته‌اند. هویت ملی در درجه نخست زاینده محیط جغرافیایی هر ملت است. برای شکل‌گیری هویت واحد ملی، تعیین محدوده و قلمرو یک سرزمین مشخص ضرورت تام دارد. تعریف هویت در این بعد عبارت است از نگرش مثبت به آب و خاک به این جهت که ما ساکن یک کشور و یک سرزمین معین هستیم و از جایگاه مشخصی در نظام هستی برخورداریم. عنصر سرزمین که با اقتصاد و سیاست پیوند نزدیک دارد، یکی از ابعاد هویت ملی است، به این معنی که وجود یک سرزمین مشخص و آگاهی از آن، احساس تعلق و تعهد را نسبت به سرزمین در افراد ایجاد خواهد کرد.

دلبستگی و تعلق خاطر به سرزمین مادری که با مرزهای معین مشخص می‌شود،

شاخص‌های متعددی دارد که از آن جمله‌اند: آمادگی دفاع از سرزمین در هنگام بروز خطر، ترجیح دادن زندگی در کشور خود بر سایر نقاط جهان یا عدم تمایل به مهاجرت و پذیرش سرزمین مشخص به عنوان کشور خود (قیصری، ۱۳۷۷: ۵۲). شاید بتوان فرهنگ‌مشترک‌بین مردم یک کشور را از مهم‌ترین اجزاء هویت ملی دانست که موجب همبستگی و نگاه مشترک آنان به این مقوله می‌شود. از آنجا که تاریخ و پیشینه هر ملتی نیز قسمتی از فرهنگ است، در این بعد از گویه‌هایی استفاده شده که قادر است ابعاد تاریخی هویت ملی را نیز پوشش دهد. زبان و آثار ادبی بُعد مهمی از میراث مکتوب هر ملت است. زبان نه تنها به عنوان محصولی اجتماعی، ابزار و وسیله ارتباطات به‌شمار می‌رود، بلکه خود به‌عنوان بخشی از متن روابط اجتماعی، که در تولید و بازتولید فرهنگ و هویت ویژه هر جامعه نقش مهمی دارد، محسوب می‌شود. زبان یک‌ملت، نظام معنایی یک ملت است و ابزاری مهم برای حفظ، شکل‌گیری و انتقال فرهنگ به‌شمار می‌آید. گذشته از مباحث مربوط به زبان‌شناسی، اکنون در حوزه مباحث قوم‌شناسی و جامعه‌شناسی، مباحث وسیعی در خصوص نقش و کارکرد زبان در چارچوب مطالعات بین‌رشته‌ای مطرح شده است. در واقع، زبان هر ملت تنها وسیله سخن گفتن و رفع نیازمندی‌های روزانه وی نیست، بلکه وسیله اندیشیدن، جهان‌بینی، عمل اجتماعی، هویت اجتماعی و روابط خرد و کلان با یکدیگر و با جهان پیرامون و با زمان‌های گذشته، حال و آینده است (حاجیانی، ۱۳۷۹: ۲۰۶). از آنجا که زبان از عناصر فرهنگی مهم هر جامعه به حساب می‌آید، در صورتی که این‌عنصر از میان برود یا به‌نوعی تغییر یا استحاله یابد، مسلماً هویت فرهنگی و هویت ملی آن جامعه نیز استحاله می‌یابد. ادبیات مکتوب نیز صرف‌نظر از زبان، در شکل‌دادن به هویت ملی بسیار مؤثر است.

بر مبنای مطالب مطروحه در ارتباط با ابعاد سه‌گانه سرزمین، فرهنگ و زبان و اهمیت توجه به آنها، این سه بعد از ابعاد هویت ملی در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است. بر این اساس سؤال‌ها و اهداف اصلی پژوهش عبارتند از:

الف) سؤال‌های اصلی پژوهش

۱. ایرانیان چه احساسی نسبت به هویت ملی خود دارند؟
۲. وزن هر کدام از مؤلفه‌های سه‌گانه مورد بررسی در هویت ملی چیست؟
۳. احساس تعلق و تعهد و آگاهی شهروندان ایرانی نسبت به هویت ملی چگونه است؟

ب) اهداف پژوهش

هدف محوری این پژوهش سنجش هویت ملی ایرانیان و شناخت و میزان تأثیرگذاری هر کدام از مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن و تقویت ادبیات علمی این موضوع می‌باشد. سایر اهداف فرعی پژوهش هم به شرح زیر است:

۱. بررسی و شناخت احساس ایرانیان در مورد هویت ملی خود؛
۲. بررسی وزن هر کدام از مؤلفه‌ها و شاخص‌های مورد بررسی در هویت ملی؛
۳. بررسی میزان تعهد و تعلق شهروندان ایرانی نسبت به هویت ملی خود.

تعریف هویت ملی

مفهوم «هویت ملی» (معین، ۱۳۷۷) به مثابه پدیده‌ای سیاسی و اجتماعی، زاده عصر جدید است که از اواخر قرن نوزدهم میلادی به مشرق زمین و سرزمین‌های دیگر راه یافت. اما این مفهوم به عنوان مفهومی علمی از ساخته‌های علوم اجتماعی است که از نیمه دوم قرن بیستم میلادی به جای «خلق و خوی» و «خصیصه ملی» رو به گسترش نهاده است (میرمحمدی، ۱۳۸۳).

محققین از دیدگاه‌های مختلفی هویت ملی را تعریف کرده‌اند. به عنوان مثال از دید چلبی دو عنصر مهم در تعریف هویت ملی، جایگاه ویژه‌ای دارند که عبارتند از پابندی ملی (عام)^۱ و تعهد عام ملی^۲ (چلبی، ۱۳۸۲: ۱۱۳-۱۱۸).

در واژگان علوم اجتماعی «هویت ملی» از ساخته‌های نیمه دوم قرن کنونی است. که به جای «خلق و خوی ملی» که از مفاهیم عصر تفکر زمانتیک بود، رواج یافت. ... هویت ملی، که بر پایه رویارویی «ما» با «دیگران» بنیاد می‌گیرد، هم می‌تواند نیرویی سازنده باشد و هم می‌تواند به نیرویی ویرانگر بدل شود.

ابعاد هویت ملی

بی‌تردید هویت ملی دارای ویژگی چندبعدی و ترکیبی است. به همین دلیل است که کسانی که به بررسی آن پرداخته‌اند به این ویژگی به‌طور مشخص اشاره داشته‌اند؛ گرچه با توجه به رویکردها و اهداف مورد مطالعه ابعاد مختلفی را برای هویت ملی مطرح کرده‌اند. دیوید میلر در تشریح ابعاد هویت ملی آورده است: «یک اجتماع به واسطه باور مشترک و تعهد متقابل، قدمت تاریخی، منش فعال، وابستگی به یک قلمرو خاص

1. National Belonging

2. Commitment

و متمایز شدن از دیگر اجتماعات به واسطه فرهنگ عمومی خاص پدید می‌آید. این پنج عنصر در کنار هم، ملیت را از دیگر منابع جمعی هویت شخصی متمایز می‌سازد» (میلر، ۱۳۸۳: ۳۴). محققین داخلی نیز با توجه به ویژگی‌های هویت ملی در ایران، ابعاد و مؤلفه‌هایی را مطرح کرده‌اند. حاجیانی مهم‌ترین ابعاد هویت ملی را در هفت محور اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی، مذهبی و زبانی دسته‌بندی کرده و مورد بررسی قرار داده است (حاجیانی، ۱۳۷۹: ۱۲۳). رزازی‌فر در مطالعه خویش برای هویت ملی چهار بعد مطرح کرده که آن را در قالب مدلی مفهومی با متغیرهای چهارگانه تعاملات اجتماعی، عام‌گرایی، عدالت توزیعی و اقتدار مشروع نظام در جامعه مورد مطالعه قرار داده است (رزازی‌فر، ۱۳۷۹: ۶۴).

گرچه هویت ملی دارای ابعاد مختلفی است ولی نوشتار حاضر محدود به تعدادی از این ابعاد بوده و مابقی را مورد بررسی قرار نداده است. در مطالعه حاضر سه بعد از ابعاد هویت ملی یعنی سرزمین، فرهنگ و زبان بر اساس سه شاخص اصلی احساس تعلق، احساس تعهد و آگاهی مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. بعد سرزمینی (جغرافیایی) هویت ملی

سرزمین عبارت است از محدوده جغرافیایی یک کشور که متعلق به یک ملت بوده و تحت سیطره یک دولت می‌باشد. هویت ملی در درجه نخست زائیده محیط جغرافیایی آن ملت است که به‌طور ملموس ملتی را از سایر ملت‌ها مجزا می‌کند. میزان دلبستگی و تعلق به سرزمین مادری در چگونگی هویت ملی افراد به شدت تأثیرگذار است. حیات جامعه و تمدن ایرانی، به گفته اسلامی ندوشن، از تناوب و ترکیب نعمت و عسرت شکل گرفته است (اسلامی ندوشن، ۱۳۶۹: ۳۱۰). برای شکل‌گیری هویت واحد ملی، تعیین محدوده و قلمرو یک سرزمین مشخص ضرورت تام دارد. تعریف هویت در این بعد عبارت است از نگرش مثبت به آب و خاک به این جهت که ما ساکن یک کشور و یک سرزمین معین هستیم و از جایگاه مشخصی در نظام هستی برخورداریم. عنصر سرزمین که با اقتصاد و سیاست پیوند نزدیک دارد، واحد بقا را برای شاخص معلوم می‌سازد و عدم تمایل به مهاجرت و پذیرفتن سرزمین مشخص به عنوان کشور، علاقه‌مندی به یکپارچگی سرزمین در آینده، رویکرد و نگرش مثبت به سرزمین خود، احساس آرامش و آسایش در صورت زندگی در آن تأثیر بسیاری دارد (ابوالحسنی، ۱۳۸۸: ۲۰) به این معنی که تنها با وجود آن سرزمین مشخص، رسیدن به اهداف و رفع نیازهایش متصور خواهد بود.

شاخص‌های بعد سرزمینی عبارتند از: آمادگی دفاع از سرزمین در هنگام بروز خطر، ترجیح دادن زندگی در کشور خود بر سایر نقاط جهان یا عدم تمایل به مهاجرت و پذیرش سرزمین مشخص به عنوان کشور خود (قنبری، ۱۳۸۹: ۴۰). در بررسی بعد سرزمینی هویت ملی از گویه‌های ناظر بر تعلق، تعهد و آگاهی نسبت به این محدوده جغرافیایی بهره گرفته شده است.

۲. بعد فرهنگی هویت ملی

آن بخش از هویت ملی ما که «ما» را از هویت‌های دیگر جهان پیرامون متمایز می‌کند و بیانگر تفاوت‌های ما از دیگران باشد نه اختلافاتمان، هویت فرهنگی است. این بعد از هویت ملی که گسترده‌ترین و فراگیرترین نوع آن در بین شهروندان یک کشور است از مهم‌ترین اجزاء هویت ملی است که سبب توافق فرهنگی می‌شود و شامل کلیه ابعاد فرهنگی و نظام اجتماعی است که به نحوی «خودآگاه» و یا «ناخودآگاه» ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد (ورجاوند، ۱۳۷۸: ۶۶). به عبارت دیگر در تعریف بعد فرهنگی هویت ملی چنین آمده است: مقصود از فرهنگ، مجموعه ذهنی و روانی مشترکی است که در گذشته تاریخی شکل گرفته و طی فرایند جامعه‌پذیری به نسل‌های بعدی منتقل شده و نسل‌های نوین، آن‌را به عنوان میراث گذشته به ارث برده‌اند. این مجموعه شامل ارزش‌ها، هنجارها، نمادها، اعتقادات، احساسات و رویکردهایی است که در زمینه خانواده، اقتصاد، سیاست، مذهب، جامعه‌پذیری و تفریحات در بین مردم یک جامعه به صورت وجدان جمعی درآمده است. فرهنگ علاوه بر بخش ذهنی دارای بخش عینی نیز هست که برخی از آن به عنوان تمدن نام می‌برند و به صورت میراث فرهنگی در اختیار یک جامعه هستند (ابوالحسنی، ۱۳۸۸: ۲۱). میراث فرهنگی ابعاد مختلفی از فرهنگ را در یک نظام اجتماعی دربرمی‌گیرد و تأثیرات قابل مشاهده و غیر قابل مشاهده‌ای بر افراد یک جامعه بر جای می‌گذارد. هم‌چنین میراث فرهنگی نشانه‌های تاریخی یک فرهنگ و یک ملت به شمار می‌رود. ارزش‌گذاری جامعه نسبت به این میراث فرهنگی و قضاوت آنها نسبت به ضرورت حفظ و نگهداری و کاربرد آن در جامعه نیز جزئی از هویت ملی است (حاجیانی، ۱۳۷۹). برای اندازه‌گیری میزان تعلق، تعهد و آگاهی پاسخگویان به بعد فرهنگی هویت ملی از گویه‌هایی در این حوزه استفاده شده است.



۳. بعد زبانی هویت ملی

یکی از مهم‌ترین ابعاد هویت ملی، بعد زبانی آن است. زبان و آثار ادبی بعد مهمی از میراث مکتوب هر ملت است. «زبان نه تنها به عنوان محصولی اجتماعی، ابزار و وسیله ارتباطات به شمار می‌رود، بلکه خود به عنوان بخشی از متن روابط اجتماعی که در تولید و بازتولید فرهنگ و هویت ویژه هر جامعه نقش مهمی دارد، محسوب می‌شود. زبان یک ملت، نظام معنایی یک ملت است و ابزاری مهم برای حفظ، شکل‌گیری و انتقال فرهنگ به شمار می‌آید. ادبیات مکتوب نیز صرف‌نظر از زبان، در شکل دادن به هویت ملی بسیار مؤثر است. مجموعه‌ها و دیوان اشعار و آثار منثور ادبی کهن و معاصر همگی در تقویت فرایند هویت‌یابی نقش عمده‌ای دارند» (حاجیانی، ۱۳۷۹: ۱۶). در واقع، زبان هر ملت تنها وسیله سخن گفتن و رفع نیازمندی‌های روزانه آنها نیست، بلکه وسیله‌ای برای اندیشیدن، جهان‌بینی، عمل اجتماعی، هویت اجتماعی و روابط خرد و کلان با یکدیگر و با جهان پیرامون و با زمان‌های گذشته، حال و آینده است (همتی، ۱۳۷۸: ۱۲۳). در خصوص ارتباط زبان با هویت محققین مختلف دیدگاه‌های خود را بیان کرده‌اند، به عنوان مثال نصری در این حوزه چنین آورده است: زبان به عنوان مهم‌ترین مؤلفه توانش ارتباطی، حامل و حتی سازنده اندیشه بوده و ربط وثیقی با هویت دارد. ... (در واقع) زبان به واسطه دستوری (صرف و نحو) و ارتباطی، ابزار و مؤلفه کلیدی تفاهم و همبستگی است (نصری، ۱۳۸۷: ۶۵). بنابراین می‌توان زبان را مقوم هویت و نگهبان آن محسوب کرد. نصری بر این مهم چنین تأکید می‌کند: اهمیت زبان در بیان و معرفی هویت آن است که هم مؤلفه و رکن مقوم هویت است و هم ابزاری برای نمودن سایر مؤلفه‌ها است. بخش اعظم خاطرات تاریخی و مناسک دینی و ملی به واسطه زبان بیان می‌شوند و به همین خاطر در بحث حاضر، زبان را هم نماینده و نگهبان هویت قلمداد کرده‌ایم و هم وسیله و شاخص آن (نصری، ۱۳۸۷: ۶۸). برای اندازه‌گیری میزان تعلق، تعهد و آگاهی پاسخگویان به بعد زبانی هویت ملی، از گویه‌هایی در این حوزه استفاده شده است.

چارچوب نظری

دورکیم نخستین جامعه‌شناسی است که در تحلیل‌های او بحث هویت جمعی وجود دارد. مهم‌ترین مفهومی که در آرای او با هویت، ارتباط تنگاتنگ دارد، وجدان جمعی است که از نظر او شامل مجموعه اعتقادات و احساسات مشترک در میان افراد یک

جامعه واحد است که دستگاه معینی را تشکیل می‌دهند و حیات خاص خود را دارد. در واقع، افراد از طریق اعلام وفاداری به این مجموعه اعتقادات و احساسات مشترک به شناسه‌ای دست می‌یابند که معرف آنهاست و آنها خود را با آن می‌شناسند و نیز خود را با آن متعهد و منتسب می‌دانند. این شناسه همان هویت جمعی است.

۱. دیدگاه کنش متقابل نمادین

این دیدگاه تلاش دارد بنیادهای نظری هویت را در قالب سازه‌هایی اجتماعی ارائه کند. از این رو سنت جامعه‌شناختی نظریه «هویت» بیش از همه به تعامل‌گرایی نمادین پیوند خورده است. قضیه بنیادین در تعامل‌گرایی نمادین از این قرار است که مردم معانی نمادین را به اشیاء رفتارهای خودشان و دیگران اطلاق می‌کنند و این معانی را طی تعامل‌هایشان با هم منتقل می‌کنند و بسط می‌دهند. پس معانی و در نتیجه هویت‌ها طی تعامل شکل می‌گیرند و بسط می‌یابند. ویژگی مشترک در دیدگاه کنش متقابل نمادین، اهمیتی است که بر این محیط اجتماعی در شکل‌گیری خود قائل هستند لیکن رویکردهای تعامل‌گرا به هویت، در تأکیدشان بر ساخت اجتماعی و هویت از سویی و روندها و تعاملاتی که طی آنها هویت‌ها ساخته می‌شوند از سوی دیگر تفاوت می‌کنند (اکبرزاده، ۱۳۷۶: ۲۳).

تعامل بین هویت (عاملیت) و ساختار اجتماعی در نظریه مید، گافمن و حتی فروید از طریق تصویرسازی از خودمان، تعاملات روزمره و ناخودآگاه شکل می‌یابد (وودوارد، ۲۰۰۰: ۲۱). بر این اساس و به دلیل اتخاذ این رویکرد و پذیرش تأثیرپذیری هویت (خود) از ساخت‌های اجتماعی، مید و سایر نظریه‌پردازان بر ترکیبی بودن، تنوع و وجود خودهای متکثر توجه داشتند (کوزر، ۱۳۶۸: ۴۹۹؛ صدیق سروستانی و حاجیانی، ۱۳۸۷: ۳۸).

چند بعدی بودن هویت ایرانی و تعامل در اجزای آن، بر اساس نظریه کنش متقابل نمادین قابل تفسیر است: «بر مبنای نظریه کنش متقابل نمادین، وجود تنوع در هویت و چندضلعی بودن آن، قابل توجیه و تبیین است. در واقع این نظریه تمهیدات لازم را برای پذیرش واقعیت هویت ترکیبی فراهم می‌سازد؛ زیرا بر این نکته تأکید دارد که خود، ماهیتی باز دارد و افراد بر اساس مواضع و پایگاه‌های اجتماعی متنوع خود و نیز فرایندهای جامعه‌پذیری، می‌توانند وجوه متعددی از شاکله هویتی خود ایجاد کنند و میان آنها سازگاری به وجود آورند. بر اساس این نظریه، کنشگران می‌توانند بین ابعاد مختلف هویتی خود تعادل برقرار کنند.



بر این نکته نیز باید تأکید کرد که هویت جمعی تحت تأثیر ساخت قدرت و نظام فرهنگی (به ویژه رسانه) شکل می‌گیرد؛ بنابراین هویت جمعی، ماهیتی ترکیبی دارد و نوع ترکیب آن در جامعه ایران به شکل چندبعدی نزدیک است. هم‌چنین باید اضافه کرد که میان این ابعاد، هماهنگی، تعامل و تعادل وجود دارد؛ هر چند این فرض مانع از آن نیست که افراد در هر موقعیت خاص و در جریان عمل جاری خود؛ هویتی معین را به طور مقطعی فرا بخوانند» (صدیق سروستانی و حاجیانی، ۱۳۸۷: ۳۹).

پیشینه پژوهش

توجه به موضوع هویت در کشور ما از قدمت چندانی برخوردار نبوده و عموم مطالعات انجام شده در دوره زمانی کمتر از دو دهه انجام شده‌اند. در اینجا به تعدادی از مطالعات قابل توجه و شاخص در حوزه هویت پرداخته شده است.

افسر رزاری فر (۱۳۷۷) در تحقیق خود با عنوان «بررسی مفهوم هویت جمعی و جایگاه هویت ملی در شهر مشهد با تأکید بر تأثیر دو عامل عام‌گرایی و عدالت توزیعی بر هویت جامعه‌ای»، ابعاد چهارگانه هویت شامل ارزش‌های ملی، ارزش‌های دینی، ارزش‌های جامعه‌ای و ارزش‌های انسانی را در دو سطح عاطفه تعمیم‌یافته و تعهد تعمیم‌یافته بررسی کرده است. جامعه آماری تحقیق، ساکنین ۱۸ سال به بالای مناطق ده‌گانه شهرداری مشهد می‌باشند که از میان آنها ۳۰۰ نفر با استفاده از روش سهمیه‌ای به عنوان جمعیت نمونه انتخاب شده‌اند. یافته‌های اصلی تحقیق به شرح زیر بیان شده است:

۱. از بین عناصر چهارگانه هویت، ارزش‌های جامعه‌ای بیشترین و ارزش‌های ملی کمترین نمره را دارند.

۲. بین ابعاد چهارگانه هویت ملی ارتباط معنی‌دار وجود دارد.

۳. بین عام‌گرایی و عدالت توزیعی با هویت ملی رابطه وجود دارد.

۴. میزان پایداری عملی به هویت جمعی، کمتر از میزان هویت جمعی است.

میانگین کلی هویت ملی در مشهد ۷۴/۴۳ درصد، میانگین نظری (عاطفه

تعمیم‌یافته) ۷۴/۵۴ درصد و میانگین پایداری عملی (تعهد تعمیم‌یافته) ۷۰/۵۶

درصد می‌باشد.

از دیگر پژوهش‌هایی که در این حوزه انجام شده است پژوهشی است با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی ابعاد هویت دانشجویان» که توسط حسین آقازاده (۱۳۷۷)، انجام شده است. وی هویت دانشجویان را به اجزاء هویت دانشجویی و هویت ملی - محلی

تفکیک کرده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بین هویت دانشجویی و نیز هویت ملی - محلی دانشجویان با وضع اقتصادی - اجتماعی و اجتماعی شدن آنان در دانشگاه آنان رابطه وجود دارد، و نیز بین هویت دانشجویی و نیز هویت ملی - محلی دانشجویان با میزان تبعیض‌ها و نیز با میزان دینداری آنان، رابطه وجود ندارد.

مسعود چلبی (۱۳۷۸) در چارچوب یک پیمایش ملی با عنوان «هویت قومی و رابطه آن با هویت جامعه‌ای (ملی)»، برای سنجش هویت ملی در میان هشت قوم فارس، آذری، کرد، لر، بلوچ، عرب، ترکمن و طالشی، از عناصر زبان ملی (فارسی)، دین اسلام، مناسک دینی و ملی، مفاخر تاریخی و فرهنگی، مردم، سرزمین و دولت ملی استفاده کرده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که احساس هویت ملی در همه اقوام خیلی زیاد و بالاتر از ۸۴ (از ۱۰۰) و در مجموع معادل ۸۷ می‌باشد. در بین عناصر مختلف هویت ملی، بیشترین احساس سربلندی و دل‌بستگی نسبت به مناسک دینی و سرزمین و کمترین احساس نسبت به دولت ملی و زبان فارسی ابراز شده است.

حاجیانی (۱۳۷۹) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه»، هویت ملی را دارای هفت بعد اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، مذهبی، فرهنگی و زبانی می‌داند و بر اساس یک فراتحلیل از بررسی‌های مختلف انجام شده در مورد هویت ملی در ایران به این نتیجه رسیده است که هویت ملی در ایران در شرایط کنونی دستخوش چالش‌ها و مسائلی شده است که مشکلات جدیدی را پیش روی نظام هویتی ما ایرانیان قرار داده است. شدت مسائل در ابعاد هفت‌گانه در مناطق مرزی، حاشیه‌ای و اقوام مختلف، عمدتاً بیش از شدت این مسائل در سایر شهروندان است.

مجتهدی و دیگران (۱۳۸۰) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه غرور ملی، اضطراب و افسردگی با جنسیت در نوجوانان ۱۵ تا ۱۹ ساله دبیرستان‌های تهران پرداخته است. در این تحقیق غرور ملی با سه مؤلفه غرور ملی کلی، موفقیت‌های ویژه، و موفقیت‌های عمومی مورد اندازه‌گیری قرار گرفته است. میان دو جنس از نظر غرور ملی کلی و موفقیت‌های ویژه تفاوت معنادار مشاهده شد به نحوی که پسران از احساس غرور ملی نیرومندتری برخوردارند. میان نواحی مختلف از نظر مؤلفه‌های غرور ملی تفاوت معناداری مشاهده نشد.

رضایی و دیگران (۱۳۸۶) در بررسی گرایش به هویت ملی و هویت قومی در ترکمن‌های ایران دریافتند که گرایش به هویت ملی نیز در بین ترکمن‌ها قوی است.



روش پژوهش

مطالعه حاضر با استفاده از روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه انجام شده است و جامعه آماری این پژوهش تمام شهروندان بالای ۱۵ سال مناطق ۲۲ گانه تهران هستند. که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۱۷۰۰ نفر برآورد شد. شیوه نمونه‌گیری در این پژوهش «نمونه‌گیری طبقه‌بندی» است که مهم‌ترین علت انتخاب این شیوه امکان مقایسه طبقات با همدیگر است. هم‌چنین این امر امکان مقایسه‌های متفاوتی در میان داده‌ها را به پژوهشگران می‌دهد. برای بررسی اعتبار پرسشنامه دو تکنیک مورد استفاده قرار گرفته است. در تکنیک اول از روش توافق میان ارزیابان نسبت به پرسشنامه و در تکنیک دوم از روش همسانی درونی استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

جامعه آماری پژوهش حاضر را تعداد ۱۷۰۰ نفر از شهروندان تهرانی بیشتر از ۱۵ سال مناطق ۲۲ گانه تهران تشکیل می‌دهند که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای به کمک ابزار پرسشنامه مورد مصاحبه قرار گرفتند. برای سنجش اعتبار، پرسشنامه اولیه را بعد از اطمینان از اعتبار صورتی‌اش، با ۴۰ نمونه مورد پیش‌آزمون قرار دادیم. اعتبار صورتی آن نیز توسط محققان و استادان دیگر به دست آمد. پایایی کل پرسشنامه بر اساس دو روش تصنیف و روش همسانی درونی (ضریب آلفای کرونباخ) مورد بررسی قرار گرفت. شمای کلی جامعه آماری در جدول ذیل آمده است

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت، محل تولد، وضعیت تأهل و اشتغال، محل تولد

درصد	فراوانی		
۵۰/۸۳	۸۶۴	مرد	جنسیت
۴۹/۱۷	۸۳۶	زن	
۱۰۰	۱۷۰۰	جمع	
۶۰/۲	۱۰۴۱	تهران	محل تولد
۳۹/۸	۶۵۹	سایر شهرستانها	
۹۲/۵۳	۱۵۶۳	مسلمان شیعه	دین و مذهب
۴/۳	۷۳	مسلمان سنی	
۰/۴۷	۸	مسیحی	

۰/۳۵	۶	زرتشتی	درآمد خانواده
۲/۳۵	۴۰	بی پاسخ	
۱۳/۶۴	۲۳۲	زیر ۳۰۰۰۰۰ هزار	
۲۹	۴۹۳	۴۵۰۰۰۰-۳۰۰۰۰۰۱	
۳۰/۱۷	۵۱۳	۶۰۰۰۰۰-۴۵۰۰۰۰۱	
۱۲/۸۲	۲۱۸	۷۵۰۰۰۰-۶۰۰۰۰۰۱	
۸/۷	۱۴۸	بالای ۷۵۰۰۰۰	
۵/۶	۹۵	بی جواب	
۵۶/۵	۹۶۰	متأهل	
۲/۱	۳۶	مطلقه	
۲/۹	۴۹	بیوه	
۳۶/۸	۶۲۶	مجرد	
۱/۷	۲۹	بی پاسخ	

همان‌گونه که در جدول شماره ۲ آمده است نمونه آماری دارای سطوح مختلف تحصیلات بوده‌اند.

جدول شماره ۲: پاسخگویان بر اساس تحصیلات

درصد	فراوانی	مقطع تحصیلی
۰/۸۲	۱۴	بی سواد
۴/۴۷	۷۶	ابتدایی
۱۱/۱۱	۱۹۱	راهنمایی
۱۰	۱۷۱	دیپلم ناقص
۲۰/۹	۳۵۵	دیپلم
۱۷/۵	۲۹۸	فوق دیپلم
۲۰	۳۴۱	کارشناسی
۶/۹۴	۱۱۸	کارشناسی ارشد
۲/۲۳	۳۸	دکتری
۶/۰۳	۹۸	بی پاسخ
۱۰۰	۱۷۰۰	جمع

بر مبنای مطالب پیش گفته، برای سنجش وضعیت هویت ملی پاسخ‌گویان سه بعد از ابعاد هویت ملی مورد بررسی قرار گرفته است که عبارت بودند از: بعد سرزمینی، بعد فرهنگی و بعد زبانی. هر یک از این ابعاد به کمک شاخص‌های اصلی احساس تعلق، احساس تعهد و آگاهی مربوطه مورد سنجش قرار گرفتند. برای بعد سرزمینی نه گویه، برای بعد فرهنگی یازده گویه و بالاخره برای بعد زبانی هشت گویه به کار گرفته شد. دلبستگی و تعلق خاطر به سرزمین مادری که با مرزهای معین مشخص می‌شود شاخص‌های متعددی دارد که از آن جمله‌اند: آمادگی برای دفاع از سرزمین در زمان بروز خطر، مرجح دانستن زندگی در کشور خود بر سایر نقاط جهان یا عدم تمایل به مهاجرت و پذیرفتن سرزمین مشخص به عنوان کشور (قیصری، ۱۳۷۷: ۵۲). در مطالعه حاضر گویه‌های مورد سنجش برای اندازه‌گیری بعد سرزمینی هویت ملی مفاهیمی هم‌چون همبستگی و انسجام ملی، یکپارچگی سرزمین، مرجح دانستن زندگی در کشور خود بر سایر نقاط جهان یا عدم تمایل به مهاجرت و پذیرفتن سرزمین مشخص به عنوان کشور و دفاع از سرزمین را بررسی کرده‌اند. جدول شماره ۳ گویه‌های مذکور و یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها را در این بعد نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳: توزیع پاسخ‌گویان بر حسب میزان تعلق به بعد سرزمینی هویت ملی^۱

کاملاً مخالفم		بی‌نظر		موافقم		گویه‌های بعد سرزمینی هویت ملی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۳/۸	۱۰۶	۶/۳	۱۰۷	۸۵/۶	۱۴۵۶	همه اقوام جزء ملت ایران هستند و باید از یکپارچگی آن دفاع کنند و عضویت آنها در ملت ایران ادامه یابد.
۱/۲	۲۱	۴/۵	۷۷	۹۱/۴	۱۵۵۴	تجزیه‌طلبی کار دشمنان خارجی ملت ایران است و باید با تمامی امکانات از آن جلوگیری کرد.
۱۰	۱۷۱	۵	۸۵	۷۹/۲	۱۳۴۶	من به سهم خود با کمک‌های مالی و در صورت لزوم شخصاً در عرصه مبارزه علیه تجزیه‌طلبان مشارکت خواهم کرد.
۱۱/۱	۱۸۹	۴/۵	۷۷	۷۲/۶	۱۲۳۴	من در هر صورت، ایران را دوست دارم.

۱. به دلیل سؤال‌های بدون پاسخ مجموع برخی از سطرها کمتر از ۱۰۰ می‌باشد.

۲	۳۳	۵.۵	۹۴	۹۰	۱۵۳۱	در صورت وقوع جنگ در هر شرایطی از وطنم دفاع می‌کنم.
۵.۵	۹۳	۶	۱۰۳	۸۲/۸	۱۴۰۷	در صورت لزوم حاضرم در محروم‌ترین مناطق ایران خدمت و زندگی کنم.
۱/۲	۲۱	۳/۸	۶۵	۹۲/۳	۱۵۶۹	برای پیشگیری از تجزیه‌طلبی و دفاع از یکپارچگی سرزمینی هر کاری لازم باشد انجام می‌دهم.
۲	۳۵	۷/۶	۱۱۴	۸۷/۲	۱۴۸۲	ایران جاودانه‌ترین سرزمین جهان است.
۶۲/۸	۱۰۶۸	۱۰/۳	۱۷۵	۲۰/۸	۳۵۴	برای من رفاه مهم است در ایران یا جای دیگر فرقی نمی‌کند.

جدول فوق تعلق پاسخگویان را نسبت به بعد سرزمینی هویت ملی به تصویر می‌کشد. بررسی جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که پاسخگویان در تمامی گزینه‌ها بیش از ۷۰ درصد احساس تعلق به سرزمین را اعلام داشته‌اند. در برخی از گویه‌ها این تعلق به بالاترین حد خود یعنی ۹۲/۳ درصد رسیده است و اکثریت قریب به اتفاق پاسخگویان اظهار داشته‌اند که حاضر به انجام هر کاری برای پیشگیری از تجزیه کشور می‌باشند. از دیگر مؤلفه‌های سنجش تعهد افراد نسبت به جامعه ملی آمادگی برای دفاع از وطن است. جدول شماره ۴ رابطه این مؤلفه را با متغیرهای سن، جنس، سواد و تأهل بررسی کرده است.

جدول شماره ۴: رابطه بین متغیر وفاداری به اجتماع ملی (آمادگی دفاع از سرزمین با متغیرهای سن، جنس، سواد، تأهل)

متغیر	جنسیت		سن			تحصیلات			تأهل			
	مرد	زن	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا	بی سواد	ابتدایی	متوسط	دیپلم	عالی	مجرد	متاهل
کم	۷/۳۱	۳/۸	۸/۸	۵/۴	۳/۸	۱/۱	۲۰/۱	۱/۵	۲۹	۸/۱	۳/۸	۲۴/۸
متوسط	۵/۹	۲۲	۸/۸	۶/۱	۱/۷	۳/۵	۷/۱	۲۰/۱	۶/۳	۲۴/۳	۲۰/۱	۲۱
زیاد	۸/۵	۵۰/۵	۷/۱۵	۷/۳۵	۶/۷۵	۵/۳۱	۶۰/۱	۳/۳۵	۳/۳	۳۴	۱/۲۵	۵۴/۳



۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	تعداد متغیر
۰/۳	-۰/۱۶۲	۰/۰۶۶	۰/۲۰	آماره
۰	۰	۰/۰۰۳	۰/۰۳۹	سطح معناداری

یکی از ابعاد و مؤلفه‌های هویت ملی آمادگی دفاع از سرزمین در صورت ضرورت است. مطابق داده‌های جدول شماره ۴ میان متغیر وفاداری ملی (اعزام به جبهه) با متغیرهای سن، سواد، تأهل و فعالیت روابط معنی‌داری برقرار است. بر مبنای داده‌های جدول، مردان بیش از زنان دارای وفاداری، تعهد ملی و حاضر به دفاع از کشور در شرایط جنگی هستند. بر حسب سن گروه سنی ۵۰ سال به بالاتر بیش از سایر گروه‌های سنی آماده اعزام به جبهه بوده و به اجتماع ملی وفادارترند، به موازات کاهش سن پاسخگویان وفاداری ملی نیز کم‌رنگ‌تر می‌شود. ضریب $d=0/66$ معنی‌داری وزن $d=0/66$ می‌باشد. بر حسب سواد نیز ارتباط معکوس و منفی برقرار است به این معنی که هر چه سواد افزایش می‌یابد از میزان وفاداری ملی و آمادگی دفاع از سرزمین کاسته می‌شود. ضریب معنی‌داری سامرز این متغیر $d=0/162$ می‌باشد که بیانگر ارتباط معنی‌داری معکوس است. بر حسب فعالیت نیز روابط معنی‌داری میان وضع فعالیت و وفاداری ملی (دفاع از سرزمین) وجود ندارد و سطح معنی‌داری آن $\text{sig}=0$ است؛ یعنی گروه‌های مختلف فعالیت، احساس نزدیک و برابری نسبت به وفاداری ملی، دفاع از سرزمین و حضور در جبهه دارند.

در مجموع در کل کشور ۱۱/۵ درصد از پاسخگویان اصلاً حاضر به دفاع از سرزمین نیستند و ۱۴/۲ درصد به میزان کمی حاضر به حضور در جنگ برای دفاع از سرزمین بوده؛ درحالی‌که ۵۳/۶ درصد پاسخگویان به میزان زیادی حاضر به حضور در جنگ در دفاع از سرزمین می‌باشند و ۲۰/۸ درصد نیز میزان حضور خود را متوسط ارزیابی کرده‌اند. از آنجا که جامعه نمونه این مطالعه را اقوام مختلف تشکیل می‌دهند، همان‌گونه که داده‌ها نشان می‌دهد که اقوام مختلف ایرانی دارای دل‌بستگی‌های عمیقی نسبت به وطن خود هستند.

از دیگر متغیرهای سنجش تعهد به سرزمین و جامعه ملی، آمادگی خدمت در مناطق محروم است. جدول شماره ۵ این متغیر را در رابطه با سن، جنس و وضعیت تأهل نشان داده است.

جدول شماره ۵: میزان وفاداری به اجتماع محلی (خدمت در مناطق محروم)

تأهل		سن			جنسیت		نگرش متغیر	
متأهل	مجرد	۵۰ به بالا	۳۰-۴۹	۱۵-۲۹	زن	مرد	آماره ملی کیسور خدمت در مناطق محروم	
۱۴	۱۶/۲	۱۵/۱	۱۴/۱	۱۵/۳	۱۵	۱۴/۶		
۱۸/۲	۱۹/۲	۱۶/۸	۱۸/۲	۱۹/۳	۱۹/۲	۱۷/۹	متوسط	
۶۷/۷	۶۴/۶	۶۸/۱	۶۷/۷	۶۵/۴	۶۵/۸	۶۷/۵	زیاد	
۱۷۰۰		۱۷۰۰			۱۷۰۰		تعداد معتبر	
۰/۰۳۴		۰/۰۳۹			۰۲۰		آماره	
۰۰۰		۰/۰۰۳			۰/۰۳۹		سطح معنی داری	

از دیگر ابعاد مطالعه هویت ملی در این بررسی، بعد فرهنگی آن است که اطلاعات مربوطه در جدول شماره ۶ آمده است. شاید بتوان فرهنگ مشترک بین مردم یک کشور را از مهم‌ترین اجزاء هویت ملی دانست که موجب همبستگی و نگاه مشترک آنان به این مقوله می‌شود. در یک تعریف جامعه‌نگر، فرهنگ، جنبه‌های متنوعی دارد که به نحوی خودآگاه یا ناخودآگاه، افراد را متأثر می‌سازد که تاریخ و مذهب از آن جمله‌اند، هم‌چنین باید گفت فرهنگ هر ملت که در هویت ملی آن مؤثر است، مشتمل بر مجموعه مناسک عام، شیوه‌های معماری، سنت‌ها، اعیاد، اسطوره‌ها، عرف‌ها و فولکلور می‌باشد (حاجیانی، ۱۳۷۹). از آنجا طی سالیان طولانی تعامل فرهنگ ایرانی با فرهنگ اسلامی این دو با هم عجین شده و در بسیاری از موارد می‌توان هر دو را یکی دانست، در اینجا تلاش شده که بعد فرهنگی نیز با برخی از مؤلفه‌های مرتبط با دین سنجیده شود. از آنجا که تاریخ و پیشینه هر ملتی نیز قسمتی از فرهنگ است، در این بعد از گویه‌هایی استفاده شده که قادر هستند ابعاد تاریخی هویت ملی را نیز پوشش دهند.

جدول شماره ۶: توزیع پاسخگویان بر حسب میزان تعلق به بعد فرهنگی هویت ملی^۱

مخالف		بی نظر		موافق		گویه‌های بعد فرهنگی هویت ملی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۵.۴	۷۶	۱۰/۲۳	۱۷۴	۸۳/۶	۱۴۲۱	تاریخ ایرانیان تاریخ بسیار پرغرور و قابل احترام است.

۱. به دلیل وجود سؤال‌های بدون پاسخ مجموع برخی از سطرها کمتر از ۱۰۰ می‌باشد.



۲	۳۳	۳/۷	۶۴	۹۱/۶۵	۱۵۵۸	ایرانیان همواره دیندار بوده‌اند و فرهنگ آنان از دین جدایی ناپذیر است.
۱۸	۳۰۷	۱۴/۳	۲۴۳	۶۳/۴	۱۰۷۸	فرهنگ ملت ایران ریشه در آداب و رسوم ایرانیان کهن دارد.
۵	۸۵	۱۳/۴	۲۲۸	۸۰/۲	۱۳۶۴	فرهنگ ایرانی با فرهنگ اسلامی عجین شده است و این دو تفکیک‌ناپذیرند.
۳۱/۹	۵۴۳	۲۶	۴۴۲	۳۷/۹	۶۴۵	ما قبل از هر چیز ایرانی هستیم تا اینکه عضو جامعه‌ای با مذهب خاص باشیم.
۶/۹۵	۱۱۸	۱۲/۴	۲۱۱	۷۲/۱	۱۲۲۶	بین فرهنگ ایرانی و فرهنگ شیعه فاصله‌ای نیست و شیعه بودن نشانه ایرانی است.
۵	۸۵	۸/۳	۶۵	۷۹/۳۵	۱۳۹۴	ایرانیان نسبت به هم‌وطنان خود، ولو از ادیان و مذاهب دیگر، بیشتر از شیعیان خارج از کشور احساس نزدیکی و یگانگی می‌کنند.
۱۸/۹	۳۲۱	۲۰/۱	۳۴۲	۷۶/۱	۷۸۵	ایرانیان نسبت به مسلمانان جهان بیشتر از معتقدین به اقلیت‌های دینی کشور خود احساس قرابت و نزدیکی می‌کنند.
۷۳/۴	۱۲۴۸	۶/۲	۱۰۵	۱۶	۲۷۳	تمدن ایران سهم مؤثری در پیشرفت تمدن بشری ندارد.
۸/۵	۱۴۵	۶/۹	۱۱۷	۸۰/۶	۱۳۷۱	نام‌های ایرانی را بر نام‌های فرنگی ترجیح می‌دهم.
۱۸/۲	۳۰۹	۱۳/۶	۲۳۱	۶۲/۵	۱۰۶۳	دلبستگی به گذشته فرهنگی و ادبی ایران باعث دوام و بقای کشور ما می‌شود.

با توجه به این مهم که بیش از چهارده قرن فرهنگ ایرانی در تعامل با فرهنگ اسلامی بوده و این دو چنان با هم ممزوج شده‌اند که سنجش یکی بدون بررسی دیگری ناممکن نماید در برخی از گزینه‌ها هر دو مورد توأمان سنجیده شده‌اند. بررسی جدول شماره ۶ نیز نشان می‌دهد که پاسخگویان به بعد فرهنگی هویت ملی خود تعلق و تعهد داشته و این تعهد و تعلق در اکثر مواقع بیش از ۶۲ درصد بوده است. بالاترین درصد موافقت پاسخگویان با گویه دینداری ایرانیان و عدم انفکاک دین و فرهنگ از

یکدیگر با ۹۱/۶۵ درصد موافقت بوده است. شاید به همین دلیل است که در تعریف خود به عنوان یک ایرانی بدون تعلق به یک مذهب (یا دین) مشخص توافق کمتری مشاهده شده است. بنابراین با توجه به یافته‌های جدول و نظرات پاسخگویان بی‌تردید می‌توان نتیجه گرفت که «دین» در تعریف ایرانیان از خویشستن و در هویت ایرانی جایگاه قابل توجهی دارد.

در جدول شماره ۷ گویه‌های مربوط به بعد زبانی هویت ملی و نتایج بررسی آنها آمده است. همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود، در اکثر گویه‌ها پاسخگویان درصد بالایی از موافقت را ابراز داشته‌اند. بررسی جدول شماره ۷ حکایت از آن دارد که پاسخگویان به بعد زبانی هویت ملی در بهترین حالت کمی بیش از سه چهارم موارد، تعلق دارند.

جدول شماره ۷: توزیع پاسخگویان برحسب میزان تعلق به بعد زبانی هویت ملی^۱

مخالفم		بی نظر		موافقم		گویه‌های بعد زبانی هویت ملی
				درصد	فراوانی	
۱۹/۵	۳۳۲	۱۷/۹	۱۵۶	۶۲/۷	۱۱۵۶	سرود ملی کشورم زیباترین ترانه زندگی است.
۱۵	۲۵۶	۷/۲۳	۱۲۳	۷۳/۱۱	۱۲۴۳	زبان فارسی رمز هویت ما ایرانیان است.
۸/۴۷	۱۴۴	۶	۱۰۲	۷۸/۳۵	۱۳۳۲	پاسداری از زبان فارسی وظیفه‌ای ملی است.
۱۰/۶۵	۱۸۱	۴/۷۶	۸۱	۷۶/۳۵	۱۲۹۸	شاهنامه فردوسی سند هویت ایرانیان است.
۱۳	۲۲۱	۱۱	۱۸۷	۷۰/۳	۱۱۹۵	زبان فارسی نشانه شخصیت و غرور ایرانی است
۴۸/۳	۸۲۱	۱۳	۲۲۱	۳۲/۸	۵۵۸	دانستن زبان فارسی از شرایط مهم ایرانی بودن است.
۵۵/۵	۹۴۴	۱۶/۹	۲۸۷	۱۸/۳	۳۱۱	زبان فارسی در جهان امروز بی‌فایده است و آموزش آن فایده‌ای ندارد.

1. به دلیل وجود سئوالات بدون پاسخ مجموع برخی از سطرها کمتر از ۱۰۰ می‌باشد.



در حالی که بیش از نیمی از پاسخگویان بر اهمیت زبان فارسی در دنیای امروزی تأکید داشتند برخی از آنان (کمتر از یک پنجم ۱۸٪) با گویۀ «زبان فارسی در جهان امروز بی فایده است و آموزش آن فایده‌ای ندارد» موافق بودند. با توجه به اطلاعات موجود در جدول می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که در حالی که احساس تعلق و تعهد نسبت به بعد زبانی هویت ملی در این مطالعه نیز در سطح بالایی مشاهده شده ولی تعلق به این بعد نسبت به ابعاد دیگر کمتر است. چون این مطالعه تلاش داشته با بررسی سه بعد منتخب از ابعاد هویت ملی به بررسی و سنجش میزان هویت ملی در جامعه مورد بررسی بپردازد جدول شماره ۸ به بررسی وضعیت تعلق ایرانیان به هویت ملی پرداخته است.

جدول شماره ۸: توزیع پاسخگویان بر حسب «مؤلفه‌های میزان تعلق هویت ملی»

مؤلفه‌های تعلق به هویت ملی		موافق		مخالف		بی‌نظر	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
در هیچ شرایطی تابعیت کشور دیگری را نمی‌پذیرم.		۶۴/۶۲	۳۲۱	۱۸/۹	۱۱۲	۶/۶	۱۰۶۵
توهین به ایران و ایرانی را اصلاً تحمل نمی‌کنم.		۸۶	۱۱۹	۷	۴۳	۲/۵۲	۱۴۶۳
دوست داشتم در کشور دیگری به دنیا می‌آمدم.		۳۳/۱۷	۸۳۲	۴۸/۹	۱۰۲	۶	۵۶۴
اگر امکان مهاجرت داشته باشم از ایران می‌روم.		۲۵/۸	۸۶۴	۵۰/۸	۲۱۱	۱۲/۴۱	۴۳۸
دوست دارم در ایران بمیرم و در ایران دفن شوم.		۸۴/۶۴	۴۸	۲/۸	۱۱۲	۶/۶	۱۴۳۹
زندگی در ایران را به هر کجای دنیا ترجیح می‌دهم.		۷۳/۶	۱۸۴	۱۰/۸	۱۰۲	۶	۱۲۵۱
علاقه من به کشورم، به عملکرد حکومت‌ها بستگی ندارد و در همه حال ایران را دوست دارم.		۸۷/۴۱	۴۸	۲/۸	۴۶	۲/۷	۱۴۸۶
در هیچ شرایطی نباید اجازه داد که بیگانگان در امور کشور ما دخالت کنند.		۸۵/۶	۱۱۷	۶/۸۸	۱۰۲	۶	۱۳۷۱

۶/۴۱	۱۰۹	۶/۸۸	۱۱۷	۷۸	۱۳۲۶	ما باید از نظر نظامی و سیاسی چنان قوی باشیم که کسی جرئت حمله به کشور ما را نداشته باشد.
۱/۲۳	۲۱	۱۲/۳	۲۰۹	۸۱/۱۴	۱۳۲۸	فرهنگ و تمدن ایرانی، در مقایسه با سایر تمدن‌ها حرف‌های مهمی برای گفتن دارد.

نگاهی دقیق به جدول شماره ۸ نشان می‌دهد که گرچه در اکثر موارد مورد مطالعه، حدود سه چهارم از پاسخگویان ابراز تعلق بسیار زیاد به هویت ملی خود داشته‌اند ولی در مواردی نظیر گویه «دوست داشتم در کشور دیگری به دنیا می‌آمدم»، یا گویه «اگر امکان مهاجرت داشته باشم از ایران می‌روم» بین یک چهارم تا حدود یک سوم از پاسخگویان با این گویه‌ها موافق بوده‌اند و تعدادی نیز درباره آنها نظر خود را اعلام نکرده و یا حتی آن را بدون پاسخ گذاشته‌اند.

تحلیل عاملی مؤلفه‌های هویت ملی

تحلیل عامل انجام شده نیز کمک مهمی در شناخت وضعیت موجود هویت ملی در جامعه مورد بررسی می‌کند. در واقع تحلیل عامل، بررسی این امر است که آیا بر اساس پاسخ افراد به پرسش‌ها می‌توان معدودی عوامل عام‌تر را مشخص کرد که شالوده پاسخ افرادند یا نه». در تحلیل عامل انجام شده در پژوهش حاضر بر اساس آماره‌ای به نام KMO و روش چرخش واریماکس^۱ (دواس، ۱۳۷۶: ۲۵۳-۲۶۲) و با استفاده از نرم‌افزار SPSS همگرایی گویه‌های مربوط به شاخص‌های سرزمین مربوط به متغیر هویت ملی شاخص‌های دولت مورد بررسی قرار گرفت.

در تحلیل عامل انجام شده بر روی عناصر هویت ملی، مشخص شد که هر چهار عنصر یا شاخص از همبستگی بسیار معنی‌داری (در سطح ۰/۰۰۰) برخوردار هستند و همگی در زیر یک عامل قرار می‌گیرند. این موضوع را در جدول شماره ۹ می‌توان مشاهده کرد.

1. Varimax

جدول شماره ۹: ماتریس همبستگی شاخص‌های هویت ملی^۱

فرهنگ	سرزمین	ملت	دولت	
۰/۳۶۵	۰/۴۵۰	۰/۳۰۶	۱	دولت
۰/۴۶۶	۰/۲۷۴	۱	۰/۰۰۰	ملت
۰/۵۵۳	۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سرزمین
۱	۰/۳۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	فرهنگ

نتیجه‌گیری

هویت ملی عالی‌ترین سطح هویت جمعی بوده و بر تعلق و تعهد افراد به جامعه ملی تأکید دارد. توجه به هویت ملی از آن جهت حائز اهمیت است که در یک کشور موجب همبستگی و انسجام در سطح ملی می‌شود. محققین ابعاد مختلفی را برای هویت ملی مطرح کرده‌اند که شامل بعد فرهنگی، تاریخی، اجتماعی، سرزمینی، زبانی، دینی و سیاسی می‌شود. مطالعه حاضر به بررسی سه بعد از ابعاد هویت ملی یعنی بعد فرهنگی، سرزمینی یا جغرافیایی و زبانی هویت ملی پرداخته است. انتخاب ابعاد سه‌گانه در این تحقیق به دلیل تأثیرگذاری بسیار آنها بر هویت ملی بوده است. بی‌تردید هویت ملی در درجه نخست زاینده محیط جغرافیایی هر ملت است. محیط جغرافیایی تبلور فیزیکی، عینی، ملموس و مشهود هویت ملی به حساب می‌آید. برای شکل‌گیری هویت واحد ملی، تعیین محدوده و قلمرو یک سرزمین مشخص ضرورت تام دارد. هم‌چنین در ارتباط با بعد فرهنگی هویت ملی می‌توان به جراثت اظهار داشت که فرهنگ مشترک بین مردم یک کشور از جمله مهم‌ترین اجزاء هویت ملی بوده که انسجام و همبستگی ملی را به همراه داشته و موجب ایجاد نگرش مشترک اعضای یک جامعه به این مقوله می‌شود. در یک تعریف جامعه‌نگر، فرهنگ، جنبه‌های متنوعی دارد که به نحوی خودآگاه یا ناخودآگاه، افراد را متأثر می‌سازد.

مطالعه حاضر نظیر بسیار دیگری از مطالعات انجام شده در خصوص سنجش هویت ملی ایرانیان حکایت از میزان تعلق و تعهد بسیار بالای ایرانیان به هویت ملی خود در ابعاد مورد بررسی دارد. در حالی که بررسی ابعاد سرزمینی، فرهنگی و زبانی هویت ملی نشان‌دهنده تعلق خاطر پاسخگویان به هویت ملی است، اما مقایسه

1. برخی از عوامل موجود در جدول در مقاله نیامده و مربوط به طرح اصلی است.

یافته‌های جداول پیشین با جدول شماره ۶ تفاوتی درخصوص میزان تعلق به جامعه ملی آشکار می‌سازد؛ به گونه‌ای که در ابعاد مورد مطالعه، در برخی موارد (بالاخص بعد سرزمینی هویت ملی) تا بیش از ۹۲ درصد موافقت توسط پاسخگویان اظهار شده و در بعد زبانی هویت ملی این توافق با گویه‌ها حداکثر تا ۷۸ درصد اعلام شده است. گرچه میزان توافق در ابعاد و نیز گویه‌های مربوطه مورد بررسی متفاوت بوده است.

گرچه تدقیق جداول و بالاخص جدول شماره ۶ در خصوص میزان تعلق به هویت ملی ایران نشان‌دهنده سطح بالای هویت ملی است ولی در برخی از گویه‌ها مثلاً در ارتباط با مهاجرت به خارج از کشور نشانه‌هایی وجود دارد که باید با توجه بیشتر بررسی شوند. این نکته از آن جهت قابل توجه است که در اغلب مطالعات، نتایج حکایت از احساس تعلق و تعهد بالای ایرانیان به هویت ملی دارد ولی به نظر برخی کارشناسان واقعیات جامعه و ملاک‌هایی نظیر میزان مصرف کالاهای خارجی (و حتی علاقه به مصرف آنها و مصرف کم کالای ایرانی)، درصد مهاجرین به خارج از کشور نسبت به کل جمعیت کشور و نیز کسانی که به لحاظ ذهنی در حال مهاجرت هستند میزان و تعداد ساعات کاری مفید در ایران، میزان بهره‌وری و توجه به حفظ و حراست از منابع ملی از یک سو و وضعیت ابزارهای هویت‌سازی و تقویت هویت ملی در کشور (کتاب‌های درسی، رسانه‌ها، برنامه پنهان درسی، خانواده، برخی از هنجارهای اجتماعی)، از سوی دیگر تصویر دیگری را از وضعیت تعلق به هویت ملی ارائه می‌دهند که نیازمند تأمل و برنامه‌ریزی نظام‌مند می‌باشد.

چگونگی تعهد به جامعه ملی و مسائلی از این دست در کنار جداول مطالعه حاضر، لزوم بازنگری جدی به روش‌ها و ابزارهای سنجش هویت ملی را مطرح می‌کنند، گرچه مطالعه حاضر قادر به پاسخگویی نبوده ولی پیشنهاد می‌شود که محققین دست‌اندرکار در این حوزه با نقد ابزارهای مورد استفاده در چنین مطالعاتی و بازنگری جدی آنها در مطالعات تکمیلی، امکان پاسخگویی را فراهم کنند.

منابع

- ابوالحسنی، سیدرحیم (۱۳۸۹): «مؤلفه‌های سنجش هویت ملی»، *مجموعه مقالات کنکاشی در هویت ایرانی*، به اهتمام ابراهیم حاجیانی، مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- اشرف، احمد (۱۳۸۳): بحران هویت ملی و قومی در ایران در *هویت، ملیت، قومیت*، به اهتمام حمید احمدی، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، صص ۱۷۰-۱۳۳.
- اکبرزاده، نسرین (۱۳۷۶): «تحول‌شناختی و مسئله شکل‌گیری هویت»، *مجله روان‌شناسی*، شماره ۳، سال اول، صص ۵۲-۲۶.
- پرتویی، اصغر (۱۳۷۹): *نقش ملی‌گرایی و اسلام در ایجاد هویت مشترک ملت سازی در دوره پهلوی و جمهوری اسلامی ایران*، پایان‌نامه دکتری علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع).
- جعفریان، رسول (۱۳۸۴): «هویت ایرانی در کشاکش تحولات سیاسی ایران»، در *مؤلفه‌های هویت ملی در ایران*، به اهتمام گروه تحقیقات سیاسی اسلام، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ۲۷-۵.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱): *هویت اجتماعی*، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: انتشارات شیرازه.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۷۹): «تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال دوم، ش ۵، صص ۲۲۸-۱۹۳.
- حق‌پناه، جعفر (۱۳۸۰): *کانون‌های بحران هویت در ایران*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- دوران، بهزاد (۱۳۸۷): *هویت اجتماعی، رویکردها و نظریه‌ها*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- رزازی‌فر، افسر (۱۳۷۹): «الگوی جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران با تأکید بر رابطه میان هویت ملی و ابعاد آن»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال دوم، ش ۵، صص ۱۳۲-۱۰۱.
- رضایی، احمد؛ محمداسماعیل ریاحی و سخاوتی‌فر، نورمحمدی (۱۳۸۶): «گرایش به هویت ملی و قومی در ترکمن‌های ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، شماره ۳۲، سال هشتم، صص ۱۴۰-۱۱۹.
- شکرکن، حسین؛ مرتضی امیدیان؛ بهمن نجاریان و جمال حقیقی (۱۳۸۰): «بررسی و مقایسه انواع هویت در ابعاد اعتقادی و روابط بین فردی در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه شهید چمران اهواز»، *مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، دوره سوم، شماره ۱ و ۲، صص ۷۳-۹۸.
- شیخاوندی، داور (۱۳۷۹): *تکوین و تنفیذ هویت ایرانی*، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- صدیق سروستانی، رحمت‌اله و ابراهیم حاجیانی (۱۳۸۷): «مطالعه تجربی منابع هویت ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال نهم، شماره ۲، صص ۵۲-۳۱.
- صنیع‌اجلال، مریم (۱۳۸۴): *درآمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی*، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- طباطبایی، سیدجواد (۱۳۸۲): *دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط در ایران*، تهران: نگاه معاصر.
- طالبی، محمدرضا (۱۳۷۸): *تحلیلی اجتماعی از خشنودی شغلی (مطالعه موردی)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- عبدالهی، محمد (۱۳۷۵): «جامعه‌شناسی بحران هویت: مبانی عینی و ذهنی هویت جمعی در ایران و تأثیر آن بر دینامیس مبادله فرهنگی ایران با جهان»، *نامه پژوهش*، سال اول، شماره ۲ و ۳، صص ۱۲۵-۱۶۱.
- قاسمی، علی‌اصغر و غلامرضا ابراهیم‌آبادی (۱۳۹۰): «نسبت هویت ملی و وحدت ملی در ایران»، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۵۹، تابستان، سال بیستم، صص ۱۰۷-.

- قنبری برزیان، علی (۱۳۸۹)؛ *بررسی و سنجش ابعاد هویت ملی ایرانیان*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- قیصری، نوراله (۱۳۷۷)؛ «قومیت عرب خوزستان و هویت ملی در جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، پیش شماره اول، ۸۴-۴۹.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰ الف)؛ *عصر اطلاعات قدرت هویت*، ترجمه حسن چاوشیان، جلد اول، تهران: طرح نو.
- معمار، رحمت‌اله (۱۳۷۸)؛ *سنجش گرایش به هویت تاریخی*، تهران: اداره کل مطالعات مرکز تحقیقات و سنجش برنامه‌های سازمان صدا و سیما.
- معین، محمد (۱۳۷۷)؛ *فرهنگ معین*، جلد ششم، تهران: امیرکبیر.
- معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۳)؛ «هویت، تاریخ و روایت در ایران»، در *ایران هویت، ملیت و قومیت*، به کوشش حمید احمدی، تهران: مرکز تحقیقات و توسعه علوم انسانی، صص ۵۱-۲۵.
- میرمحمدی، داود (۱۳۸۳)؛ *گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران*، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- نصری، قدیر (۱۳۸۷)؛ *میانی هویت ایرانی*، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- نقی‌زاده ملایوسفی، علی‌رضا (۱۳۸۵)؛ *تأثیر جهانی‌شدن بر بازسازی الگوی هویت ملی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی.
- نواح، عبدالرضا؛ تقوی نسب، سیدمجتبی (۱۳۸۶)؛ *تأثیر احساس محرومیت نسبی بر هویت قومی و هویت ملی مطالعه موردی: اعراب استان خوزستان*، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، تابستان ۱۳۸۶، ۸(۲)، صص ۱۶۳-۱۴۲.
- همتی، ماندانا (۱۳۷۸)؛ «زبان و هویت فرهنگی»، در *مجموعه فرهنگ و جامعه*، به کوشش بهروز گرانیپایه، شماره ۱.
- ورجاوند، پرویز (۱۳۷۸)؛ *پیشرفت و توسعه بر بنیاد هویت فرهنگی*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- Salazar, Jose Miguel (1998); "Social Identity and National Identity". In: Stephen Worchel; Francisco J. Morales; Dario Paez; Jean-Claude Deschamps (eds.) *Social Identity: International Perspectives*. London: Sage, PP 114-123.
- Woodward, Kath (2000); "Introduction". In Kath Woodward (ed.) (2000) *Questioning Identity: Gender, Class, Nation*. London: Routledge in association with The Open University, PP 1-4.